

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

جمعه ۷ تیر ۱۳۸۷

سال اول - شماره ۹

## کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

### در این شماره:

- سرمایه و قراردادهای موقت کار ص ۲
- تعویق دستمزدها و خطر بیکار سازی به بهانه قطع برق! ص ۳
- تعویق طولانی دستمزدها در کارخانه چوب طالقان ص ۴
- تعویق چند ماهه دستمزد کارگران چینی سروش ص ۴
- اعتصاب کارگران معدن الماس و کارگر ستیزی اتحادیه کارگری ص ۴
- اخراج ۲۰۰۰ کارگر از شرکت خودرو سازی ولوو ص ۵
- کشته شدن یک کارگر در زیر آوار سرمایه ص ۵
- قتل ماهانه ۷ کارگر در سوئد زیر نام سوانح کار ص ۵
- افزایش ۵۰ درصدی قراردادهای موقت ص ۶
- جنایات سرمایه علیه کارگران بی پناه افغانی ص ۶
- سوختن یک کارگر در آتش سرمایه ص ۶
- انحطاط اتحادیه های کارگری در ویتنام ص ۷
- یک سال مبارزه در کارخانه «کویرتایر» ص ۷
- تعطیل بیش از ۱۰۰ کارخانه و بیکاری هزاران کارگر در قزوین ص ۸
- تلاش دولت سارکوزی برای مقابله با اعتراضات کارگران فرانسه ص ۸
- توطئه جدید سرمایه برای غلبه بر مبارزات کارگران هفت تپه ص ۸
- اعتراض کارگران راننده تاکسی در شهرهای مختلف ص ۹
- ۵ ماه کار بدون مزد و سپس اخراج ص ۹
- ایجاد اشتغال از طریق اخراج کارگران ص ۹
- کارگران صنایع فلزی و ماه ها کار بدون دستمزد ص ۱۰
- بیکار سازی در ایران صدرا و دور جدید مبارزات کارگران ص ۱۰
- «آلتادیس» بیش از ۲۰۰۰ کارگر را اخراج می کند ص ۱۱
- خطر اخراج کارگران کارخانه های کفش و کیف ص ۱۱
- کارگران راننده فرانسوی و ایجاد راه بندان اعتراضی ص ۱۱
- اعتصاب خلبانان و کارگران حمل و نقل هوایی در ژاپن ص ۱۲
- تشدید مبارزات کارگران هفت تپه ص ۱۲

## شور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید.

صفحه ۱۳

## سرمایه و قراردادهای موقت کار

گزارش می‌کنند! این که شمار واقعی انسان‌های فاقد اشتغال و کار در کجای این منحنی یا خط فاصل قرار می‌گیرد درست معلوم نیست. اما این امر که جمعیت بسیار کثیری از سکنه کشور همیشه بیکار است موضوعی است که حدیث زندگی سراسر درد و رنج و مرارت و بدبختی همه ماست. بیکاری پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. این نظام نه فقط قادر به مهار بیکاری نیست بلکه بر پایه طبیعت وجودی خود هر روز و هر لحظه آن را به صورت عنان گسیخته ای افزایش می‌دهد. بیکاری در همان حال که ذاتی سرمایه داری است و در همان حال که مشکل این شیوه تولید است، یک نعمت الهی برای سرمایه داران هم هست. با افزایش بیکاری رقابت میان بیکاران برای یافتن کار حادثر و حادثر می‌شود. صاحبان سرمایه این فرصت را مغتنم می‌شمارند و بهای نیروی کار را تا سرحد ممکن به قیمت پرتاب میلیون‌ها انسان به باتلاق گرسنگی کاهش و باز هم کاهش می‌دهند. در شرایط موجود میزان بیکاری و رقابت میان بیکاران در تمامی دنیا به صورت وحشتناکی بالا است.

۳. آرایش قوای میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار، در سطح جهانی و در درون هر جامعه، سخت به زبان اولی و به نفع دومی است، وضعیتی که به نوبه خود محصول دخالت چند عامل اساسی در تمامی طول قرن بیستم است. دیکتاتوری هار سرمایه و سرکوب بی‌امان مبارزات کارگران در بخش مهمی از دنیا، به قلابه کشیده شدن جنبش کارگری توسط بورژوازی در همه ممالک اردوگاه شوروی سابق، تسلط فرمیسیم راست اتحادیه ای بر بخش عظیم دیگری از جنبش کارگری جهانی، تأثیر مخرب احزاب طیف فرمیست چپ در شکل تلاش برای تبدیل طبقه کارگر به تسمه نقاله قدرت گیری این احزاب مؤثرین نقش را در تحمیل وضعیت وخیم کنونی بر جنبش کارگری بین المللی بازی کرده است.

طرح «قراردادهای موقت کار» شیوه تشدید وحشیانه استثمار کارگر در شرایطی است که آثار زیانبار عوامل بالا همه جا بر مناسبات میان نظام سرمایه داری و جنبش کارگری سنگینی می‌کند. جان کلام این است که سرمایه برای ماندگاری خود نیازمند بالاترین نرخ ارزش اضافی است، دنیا پر از ارتش بیکاران است و رقابت برای یافتن کار در میان طبقه کارگر بیداد می‌کند، جنبش کارگری نیز زیر فشار عواملی که گفتیم در موقعیت ضعیفی قرار دارد. محصول این اوضاع یکه تازی بی‌عنان سرمایه داران و دولت آن‌ها برای سلاخی هر چه بیشتر زندگی کارگران در جهت افزایش سود سرمایه است و «قراردادهای موقت کار» یک راهکار بسیار مهم نظام سرمایه داری در همین راستاست. سال‌های زیادی است که نهادهای عظیم مالی و برنامه ریزی سرمایه داری، مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی همگی دست به کار هر چه سراسری تر کردن این راهکار در سطح دنیا هستند. آن‌ها به نوبه خود از دولت‌های همه ممالک می‌خواهند که در تحمیل این راهکار بر توده‌های کارگر دریغ نکنند. این نهادها به کارگیری این راهکار علیه معیشت و امکانات زیستی کارگران را به شرط حتمی سهم بری افزون تر سرمایه داری کشورها از اضافه ارزش‌های تولید شده توسط کل طبقه کارگر جهانی تبدیل کرده اند. در همین جا باید بر این نکته سخت تأکید کرد که آنچه این نهادها انجام می‌دهند دقیقاً همان چیزی است که هر سرمایه دار و هر دولت سرمایه داری با تمامی توان خویش خواستار اجرا و تحمیل هر چه هولناک تر آن بر بردگان مزدی نظام سرمایه داری است.

سؤال اساسی این است که ما در مقابل فشار بی‌رحمانه و وحشیانه سرمایه داران و دولت آن‌ها برای تحمیل قراردادهای موقت کار چه باید بکنیم؟! در این زمینه شاید نزدیک ترین پاسخ این باشد که همه جا شعار الغای قراردادهای موقت را سر دهیم. بی تردید این کار را باید بکنیم. اما این نیز

بر اساس مندرجات روزنامه‌های وابسته به محافل مختلف دولت سرمایه داری ایران فقط در فاصله چند روز مانده به پایان سال ۱۳۸۶ بیش از ده‌ها هزار کارگر از کار اخراج می‌شوند. دایره شمول این آمار نه همه کشور بلکه چند ناحیه صنعتی و به طور مشخص فقط شهرهای طبس، سنندج، بجنورد، قزوین، زنجان و منطقه غرب تهران را در می‌گیرد. این بدان معنی است که شمار کارگران در معرض اخراج، در روزهای پایان سال بسیار بیش از این است. کارگران اخراجی همگی بر اساس قراردادهای کوتاه مدت مشغول کار بوده اند. آنان نه فقط کار خود که غالب حقوق ماه اسفند، تمام روزهای مرخصی سالانه و «پاداش»!! خود را نیز از دست می‌دهند. نظام سرمایه داری و دولت سرمایه داران در آستانه حلول سال نو به کارگران عیدی می‌دهند. عیدی این نظام، گرسنگی، بی‌سپیناهی، محرومیت از دکتر و دارو و درمان، محرومیت از هر نوع آزادی و حقوق انسانی، افزایش شمار همیشه کثیر کودکان خیابانی، جنگ، زندان، شکنجه و مرگ ناشی از گرسنگی و فلاکت و شلاق است. سالیان زیادی است که کار بر اساس قراردادهای موقت مکتوب و نامکتوب به شیوه همه جا رایج رابطه خرید و فروش نیروی کار در دنیا و به ویژه جامعه ما مبدل گردیده است. هم اکنون عظیم ترین بخش توده‌های کارگر ایران در چهارچوب همین «قراردادهای»!! سراسر اجباری و تحمیلی به رقت بارترین شکل ممکن توسط سرمایه داران خصوصی و شرکت‌های دولتی سرمایه داری استثمار می‌شوند. تاریخ سرمایه داری تاریخ تلاش بی‌وقفه سرمایه داران دنیا برای کشف شیوه‌های تازه تشدید استثمار کارگران است. اما پدیده موسوم به "قراردادهای موقت" را باید به گونه ای عمیق تر شناخت، مکان آن را در موقعیت کنونی حیات سرمایه داری و تاریخ مبارزه طبقاتی میان کارگران و سرمایه خوب درک کرد و در این راستا برای مقابله با آن به راهکارهای آگاهانه و کارآمد دست یازید. "قراردادهای موقت" یک گزینه معین نظام سرمایه داری برای تشدید هر چه بیشتر استثمار توده‌های کارگر در شرایطی است که:

۱. ادامه حیات نظام سرمایه داری خواه در مقیاس جهانی و خواه در هر جامعه خاص در گرو کسب نرخ ارزش اضافی هرچه بیشتر و عظیم تر است. یک مقایسه بسیار ساده بین حجم سرمایه گذاری‌های هر کشور در فاصله میان شروع و ختم هر سال نشان می‌دهد که چگونه حجم و میزان سرمایه‌ها در همه جا با بیشترین سرعت در حال افزایش است. این سرمایه‌ها همه سود و باز هم سود می‌خواهند، سودی که باید توسط کارگران تولید شود. و این در حالی است که شمار کارگرانی که باید این سودهای عظیم را تولید کنند در قیاس با حجم سرمایه‌های کلانی که پیوسته پیش ریز می‌شوند کمتر و کمتر می‌گردد. نتیجه طبیعی و محتوم این روند آن است که باید به صورت بی‌امان استثمار کارگران تشدید شود و نرخ استثمار آنان توسط سرمایه بالاتر و بالاتر رود. به جامعه خودمان نگاه کنیم. هر سال حجم سرمایه‌های در حال انباشت سر به فلک می‌زند، در حالی که شمار کارگران شاغل اگر هم افزایش پید کند به نسبت سرمایه‌های عظیم پیش ریز شده کمتر و کمتر می‌گردد. درست بر همین مبنا نرخ استثمار کارگر ایرانی که مثل در سال ۱۳۵۲ چیزی میان ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد بوده است در حال حاضر به سطح ۱۲۰۰ درصد رسیده است. امروز نظام سرمایه داری در روند توسعه و تکامل خود در موقعیتی قرار گرفته است که فقط از طریق فشار هر چه بیشتر بر کارگران و کسب نرخ بسیار بالای ارزش اضافی قادر به ادامه حیات است.

۲. رقابت میان نیروی کار در هر جامعه و در سطح جهانی به صورت هولناکی تشدید شده است. در لحظه حاضر بیش از یک میلیارد نفر از سکنه کره زمین که در سن اشتغال قرار دارند بیکار هستند. در جامعه ما آمارهای دولتی که خیلی هم دقیق!!! هستند جمعیت بیکاران را بین ۳ تا ۱۷ میلیون

### کارگران!

اگر همه ما علیه سرمایه متحد شویم. اگر همه ما به قدرت عظیم طبقاتی خود اتکا کنیم، اگر همه ما آثار توهّم به این حرف و آن حرف دولتمردان، این جریان و آن جریان اپوزیسیون درون و بیرون طبقه سرمایه دار یا این گروه و آن گروه سیاسی بی ربط به طبقه مان را از وجود خود پاک سازیم، اگر ما خود علیه سرمایه متشکل و متحد گردیم، مطمئن باشید که می توانیم خواسته های بالا و همه خواسته های دیگرمان را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم. ما و نظام سرمایه داری همیشه با هم در جنگیم. در پیچ و خم این جنگ صرف قدرت پیکار طبقاتی است که سرنوشت همه چیز را مشخص می کند، قدرت طبقه ما در سازمان یافتگی آگاهانه ضد سرمایه داری ماست. هر نوع متشکل شدنی مسلما قدرت نیست. صد ها میلیون کارگر در اتحادیه های کارگری دنیا عضوند اما عضویت آنها در این نهادها نه مایه قدرت بلکه عامل سقوط آن ها از هر نوع اعمال قدرت گردیده است. تاریخا جمعیت عظیمی از کارگران دنیا به دار احزاب سیاسی با نام های مختلف چپ یا راست آویزان بوده اند اما آویختگی آن ها به این جریانات نه منشا اقتدار بلکه عامل نابودی تمامی قدرت پیکار طبقاتی ضد سرمایه داری آنان شده است.

بباید در هر کجا که هستیم برای متشکل شدن خویش در یک سازمان سراسری ضد سرمایه داری تلاش کنیم و بباید لحظه لحظه این متشکل شدن و متحد گردیدن را بر متن مبارزه جاری برای تحمیل مطالبات روز خود از جمله مطالبات بالا بر سرمایه به پیش بریم.

### کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۸۶/۱۲/۲۵

روشن است که صرف شعار دادن و حتی مجرد اعتراض کردن هیچ مشکلی را حل نمی کند. چند سال است که این شعارها سر داده می شود و این اعتراضات انجام می گیرد اما فشار سرمایه داران و دولت آن ها برای تحمیل این جنایت بر ما نه فقط هیچ کاهش نیافته بلکه وسیعا افزایش یافته است. واقعیت این است که توسل سرمایه داری به راهکار « قرارداد موقت کار» برای این نظام یک مسئله اساسی استراتژیک است و به همین دلیل سرمایه داران و دولت ها به هیچ وجه حاضر نیستند در مقابل ابراز ناراضی ها، شکایات و اعتراضات پراکنده کارگران عقب نشینی کنند. قراردادهای موقت مسئله حیاتی سرمایه داری است و برای لغو آن نیز بجز اعمال قدرت گسترده سراسری و طبقاتی کارگران هیچ راه دیگری وجود ندارد. بر همین اساس، سخن مشخص ما در این زمینه و در قلمرو پیکار با این تهاجم سرمایه داری این است که:

۱. به طور سراسری حول تحمیل حداقل ۶۰۰ هزار تومان دستمزد ماهانه بر سرمایه داران و دولت آن ها متحد شویم و مبارزه کنیم.

۲. اعلام کنیم که هر کارگر بیکار، اخراجی و جویای کار نیز در تمامی مدت بیکاری باید کل ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد را بدون کم و کاست دریافت دارد.

با طرح این مطالبات و مبارزه برای تحقق آن ها ما عملا اعلام می داریم که هر انسانی در هر شرایطی مستقل از شاغل و بیکار بودن یا جنسیت و سن و محل تولد و مکان زیست و غیره حق زندگی کردن و حق برخورداری از همه امکانات رفاهی و معیشتی را دارد. قرارداد موقت و غیرموقت کار، بیکاری یا اشتغال به ما مربوط نیست. داشتن یک زندگی انسانی مرفه و با امکانات حق مسلم و قطعی ماست. ما برای تحمیل این حقوق بدهی و مفروض خویش بر نظام سرمایه داری مبارزه می کنیم.

## تعویق دستمزدها و خطر بیکارسازی به بهانه قطع برق!

دولت سرمایه داری با جدیت تمام تلاش می کنند تا از طریق زمینه سازی های لازم تحمیل این جنایت ها بر توده های کارگر را موجه جلوه دهند و کارگران را به قبول آن متقاعد سازند. سرمایه در جریان دستیابی به سود هر نوع جنابیتی را لباس منطق، هر درجه از وقاحت را عبا آراسته اخلاق و هر گونه زورگویی و شرارت را جامه عدالت و انصاف به تن می کند. برای لحظه ای تصور کنید که خاموشی یا اختلال در شبکه برق رسانی صنایع چه ربطی به توده فروشنده نیروی کار دارد، و بر اساس کدام منطق و معیار و فرهنگ و اخلاق کفاره آن را باید کارگر بپردازد؟! دولت سرمایه داری و صاحبان سرمایه زمین و زمان را از سرمایه های حاصل از اضافه ارزش تولید شده طبقه کارگر آکنده اند، آن ها خود به دلیل صرفه جویی های هر چه کلان تر در هزینه های لازم سرمایه گذاری با هدف دست یافتن به سودهای انبوه تر مشکل اختلال سیستم برق رسانی را ایجاد می کنند، اما بسیار راحت و با بیشرمی تمامی بار همین صرفه جویی ها هولناک سودجویانه خود را به جنایتکارانه ترین شکلی بر زندگی کارگران سرشکن می کنند. زیر نام

چند ریال ارزان تر تهیه کند. در یک کلام هر چیزی، هر حادثه ای و حتی هر احتمالی که یک ریال سود بیشتر را برای سرمایه دار نوید دهد دلیل بسیار مکیفی و مستحکمی برای او است که پرداخت دستمزد صدها و هزاران یا هر تعداد کارگر را برای هر مدتی که بخواهد به تعویق اندازد. سرمایه داران برای بیکارسازی کارگران نیز احتیاج به یافتن هیچ نوع دلیل و مدرک واقعی نیستند. صرف یافتن نیروی کار ارزان تر یا چشم انداز انتقال سرمایه به حوزه پرسودتر برای اخراج فوج کارگران کافی است.

در میان بهانه ها و دستاویزهای دروغینی که سرمایه داران برای فرار از پرداخت دستمزد کارگران و بیکارسازی آن ها به هم می بافند، یکی نیز وقوع خاموشی ها در شبکه های برق رسانی برخی شهرها است. بسیاری از صاحبان سرمایه در شهر اصفهان با توسل به همین بهانه از خطر تعویق در پرداخت حقوق ماهانه کارگران و احتمال بیکاری عده ای کارگر سخن به میان کشیده اند. در همین راستا این نکته نیز مهم است که خانه کارگر و روزنامه دسترنج و به طور کلی محافل کارگری ساخته و پرداخته

بهانه تراشی واهی و ضدانسانی سرمایه داران برای مصادره دستمزدهای ماهانه کارگران، تعویق در پرداخت بهای زیناچ نیروی کار توده های کارگر و اخراج کارگران به یک سنت فراگیر و معمولی در سراسر جهنم سرمایه داری ایران تبدیل شده است. هر بهانه و دستاویزی می تواند برای امتناع از پرداخت دستمزد کارگران یا بیکار ساختن آن ها کافی باشد. برای یافتن این بهانه ها و دستاویزها هیچ سرمایه داری نیاز به هیچ رویداد واقعی یا وقوع هیچ حادثه خاصی ندارد. صرف اراده و عزم کارفرمایان در استفاده سودجویانه تر از دستمزدهای مصادره شده برای تعویق ماه ها حقوق کارگران و گرسنه سازی کودکان و زنان و پدران و مادران آن ها کفایت می کند. فقط کافی است صاحب سرمایه با محاسبات کاسبکارانه اش احساس کند که در صورت عدول از پرداخت چند ماه دستمزد کارگران می تواند کمبود سرمایه گذاری های نوین خود را جبران کند، حجم بسیار انبوه تری مواد اولیه و مصالح مورد نیاز تولید را تهیه کند، کارخانه خویش را توسعه دهد، میزان تولید خود را افزایش دهد، مواد خام و وسائل کمکی تولید را

را برای تحمیل جنایات بیشتر بر کارگران هموار سازند. ۴ تیر ۸۷

را گوشزد می کنند و به این ترتیب می کوشند تا با ایجاد فضای وحشت و دلهره و هراس زمینه

مشکل خاموشی برق اعلام می کنند که شاید قادر به پرداخت دستمزدها نباشند!! آنان با توسل به همین بهانه خطر بیکارسازی کارگران

## تعویق طولانی دستمزدها در کارخانه چوب طالقان

سرمایه گذاری کلان تر، استثمار گسترده تر کارگران و رسیدن به سودهای انبوه تر مورد استفاده قرار گیرد. آخرین خیرها حاکی است که کارفرما زیر فشار اعتراضات و مبارزات کارگران مجبور شده است عیدی و پاداش سال قبل کارگران را پرداخت کند.

۴ تیر ۸۷

میلیون تومان بابت دستمزدها و سایر مطالبات خود از سرمایه دار مالک شرکت طلبکار هستند. صاحب کارخانه در این سال نه فقط چیزی حدود ۴۰۰ میلیون تومان دستمزد کارگران را پرداخت نکرده بلکه زیر نام بدهکاری و اتفاقاً تحت عنوان نیاز به پول برای پرداخت دستمزدها وام های بسیار سنگینی را نیز از بانک های دولتی و خصوصی دریافت کرده است. مصادره دستمزدها نیز به احتمال زیاد به این دلیل صورت گرفته تا همراه با همین وام های عظیم دریافتی از بانک ها برای

کارخانه چوب طالقان ۶۰ کارگر را استثمار می کند. سرمایه دار صاحب کارخانه از شروع نیمه دوم سال ۱۳۸۵ تا کنون فقط چند ماه دستمزد به کارگران پرداخته و بقیه مزدها را برای مدت های طولانی نپرداخته است. کارگران تا چند روز قبل حتی عیدی و پاداش سال گذشته خود را دریافت نکرده بودند. آنان در طول این ۲ سال به طور مرتب دست به اعتراض زده و به اشکال مختلف برای حصول مطالبات خویش تلاش کرده اند. بر اساس آنچه کارگران می گویند هر کدام از آنان تا لحظه حاضر حدود ۶

## تعویق چند ماهه دستمزد کارگران چینی سرش

۱۳۸۶ آن ها را نیز مصادره کرده است. کارگران در همه این مدت علیه مظالم کارفرما دست به اعتراض زده اند، اما او هر بار با بهانه ای و با توسل به ترفندی کارگران را به ادامه کار و تحمل تعویق دستمزدها قانع کرده است.

۴ تیر ۸۷

استثمارگر خود عقب نماند. او با این که از محل استثمار شدید ۱۵۰ کارگر کارخانه دنیایی سود و سرمایه بر هم انباشته است اما دستمزدهای ماهانه کارگران را با تأخیرهای طولانی می پردازد. کارفرمای چینی سرش تا لحظه حاضر ریالی بابت دستمزد سه ماهه اول امسال به کارگران نپرداخته است. او سوای اجتناب از پرداختن دستمزد ماه های فروردین و اردیبهشت و خرداد ۱۵۰ کارگر، کل عیدی و پاداش سال

کارخانه چینی سرش در استان فارس قرار دارد و حدود ۱۵۰ کارگر را استثمار می کند. این کارخانه از واحدهای قدیمی صنعتی است و در همه سال ها از تولید بالا، بازار فروش وسیع و سود سرشار برخوردار بوده است. در طول دهه اخیر که مصادره دستمزد کارگران برای مدت های طولانی به سنت همه جا رایج و شایع سرمایه داران ایران تبدیل شده سرمایه دار صاحب این کارخانه زین نخوایسته از همتایان

## اعتصاب کارگران معدن الماس و کارگری اتحادهای کارگری

خارج از مدار دخالت اتحادیه آغاز شده و بوروکراسی ضدکارگری اتحادیه ای دست در دست صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری از هیچ جنایتی برای به شکست کشاندن اعتصاب کارگران خودداری نکرده و نمی کند. صاحب معدن با وقاحت کامل از کارگران به محاکم قضایی سرمایه شکایت کرده و قاضی بشرکش سرمایه نیز در حمایت از سرمایه دار حکم به ممانعت از ورود کارگران به کارخانه داده است. بر اساس رأی قاضی هیچ کدام از کارگران در حال اعتصاب حق ندارند حتی خود را به فاصله ۴۰۰ متری کارخانه برسانند. دلیل این امر وحشت سرمایه دار از احتمال سرایت اعتصاب به سایر بخش های معدن است. اعتصاب چهارمین روز خود را پشت سر نهاده است. کارفرمای شرکت با گستاخی تمام اعلام کرده که تحت هیچ شرایطی حاضر به مذاکره با کارگران نیست و به خواسته های آنان هیچ وقعی نخواهد گذاشت. در تقابل با این اقدام

زیادی از کارگران تا امروز به دلیل حجم زیاد اشعه رادیواکتیوی که در جریان کنترل های مستمر روزانه وارد بدن آنان گردیده به امراض مهلک و از جمله سرطان مبتلا شده اند. کارگران در طول این سال ها بارها علیه این جنایات و سفاکی های صاحب سرمایه دست به اعتراض زده و خواستار ممنوعیت این نوع کنترل های مرگبار شده اند. اعتصاب اخیر کارگران نیز در همین رابطه شکل گرفته است. ۲۵۰ کارگر از کل ۴۰۰ کارگر کارخانه به طور کامل دست از کار کشیده اند. آنان خواستار حذف سیستم مراقبت ضدانسانی و عزل کامل هیأت رئیسه کارخانه از سمت خود شده اند.

اتحادیه کارگری با احساس جنب و جوش کارگران معترض و احتمال شروع اعتصاب، با بیشرمی بیش از حدی دست به کار توطئه برای جلوگیری از وقوع اعتصاب و خفه کردن فریاد اعتراض کارگران شده است. اعتصاب در

معدن الماس Lev Leviv در کشور نامیبیا قرار دارد و ۴۵۰ کارگر را در شرایط کاری بسیار وخیم، توان فرسا و مهلک استثمار می کند. صاحب معدن یک سرمایه دار اسرائیلی است که از سال ها پیش تا امروز از طریق استثمار جمعیت کثیر کارگران نامیبیایی به طور مرتب حجم سرمایه و سرمایه گذاری های خود را افزایش داده است. کارفرمای شرکت علاوه بر شدیدترین و حادثه ترین میزان استثمار توده های کارگر، مرگبارترین، مهلک ترین، تحقیرآمیزترین و بشرستیزانه ترین نوع مراقبت های پلیسی را نیز علیه کارگران اعمال می کند. سرمایه دار خون آشامی که لحظه به لحظه گوشت و پوست و رگ و پی و خون کارگران را در قالب کار اضافی و اضافه ارزش های تولید شده آنان تاراج می کند، هر روز هنگام پایان کار، همین کارگران را به بهانه احتمال سرقت الماس!! در معرض تابش کشنده ترین میزان اشعه ماوراء بنفش قرار می دهد. شمار

کارگران در آن سال به شکست انجامید و سرمایه دار با حمایت دولت و اتحادیه کارگری یکی از کثیف ترین و جنایت آمیزترین قراردادها را بر کارگران تحمیل کرد.

ژوئن ۲۰۰۸

محیط کار و برای تحقق برخی مطالبات دیگر به همین صورت کنونی یعنی به صورت «غیرقانونی» اعتصاب کردند. آنان در آن زمان نیز با توطئه های خصمانه اتحادیه کارگری و صف بندی متحد سرمایه داران، دولت سرمایه داری و سران اتحادیه رو به رو شدند. اعتصاب

کارفرما، کارگران نیز به طور متحد تصریح کرده اند که تا حصول تمامی مطالبات خویش دست از مبارزه نخواهند کشید. معدن Lev Leviv یکی از بزرگ ترین مراکز تراش و صیقل الماس در دنیا است. کارگران این معدن در سال ۲۰۰۶ نیز علیه شرایط غیرانسانی

## ۲۰۰۰ خراج کارگر از شرکت خودرو سازی ولوو

۴ میلیارد کرون سوئد صرفه جویی کند. رئیس ولوو در ادامه حرف های خود با فراغ بال و بدون احساس هیچ نوع قبح و وقاحتی تأکید کرده که اخراج ۲۰۰۰ کارگر و پرتاب آن ها به ورطه بیکاری تنها راه جبران این ضررها است. او این را نیز اضافه کرده که در ماه های آینده بیکارسازی ها و اخراج های بیشتری در انتظار کارگران ولوو خواهد بود.

ژوئن ۲۰۰۸

بالا بردن شدت و سرعت کار و در یک کلام از طریق افزایش فشار بر نیروی کار نه فقط متحمل هیچ کاهش در میزان تولیدات خود نشده که برعکس این میزان را به صورت بسیار چشمگیری بالا برده است.

رئیس ولوو دلیل راه افتادن موج جدید اخراج ها را افزایش بهای مواد اولیه، کاهش ارزش دلار و رکود بازار فروش اعلام کرده است. او مدعی است که شرکت تحت مدیریت وی در طول سه ماهه اول سال جاری ۹۰۰ میلیون کرون زیان داده و برای جبران این زیان ها باید

تراست عظیم خودروسازی ولوو حدود ۲۰۰۰ کارگر را در سوئد و سایر کشورها بیکار می کند. از این جمعیت ۱۲۰۰ نفر آن ها را کارگران سوئدی تشکیل می دهند و بقیه در سایر مناطق دنیا به کار مشغولند. ولوو در طول دو دهه گذشته به دفعات و هر دفعه شمار زیادی از کارگران خود را بیکار ساخته است. دلیل اصلی بیکارسازی ها در بسیاری موارد به ویژه در طول دهه ۹۰ سده پیش افزایش بی سابقه بارآوری کار و کاهش نیاز این شرکت به نیروی کار بوده است. ولوو هر بار به دنبال این بیکارسازی ها، با افزایش بارآوری کار،

## کشته شدن یک کارگر در زیر آوار سرمایه

برداری کند. مقتول به طور واقعی حق سرپیچی از خواست کارفرما را نداشت زیرا اگر به حرف او گوش نمی کرد حتماً از کار بیکار و از شرکت اخراج می شد.

۳ تیر ۸۷

حادثه و کشته شدن او به اندازه کافی فراهم بود. این کارگر مشغول خاک برداری برای احداث ساختمان بود و درست در کنار دیوار کهنه ای این کار را انجام می داد که در آستانه ریزش حتمی قرار داشت. کارگر مقتول مجبور بود که در همین نقطه کار کند. به این دلیل بسیار روشن که سرمایه دار صاحب شرکت ساختمانی از او خواسته بود که همین نقطه را خاک

کارگری که برای یک شرکت ساختمانی کار می کرد و توسط این شرکت استئمار می شد در زیر خروارها خاک دفن شد و برای همیشه جان خویش را از دست داد. او در محله تهران نو مشغول حفاری زمین بود و در محل کار خویش از هیچ نوع وسائل ایمنی برای نجات جان خود از خطر حادثه برخوردار نبود. جایی که کار می کرد تمامی شرایط و احتمالات برای وقوع

## قتل ماهانه ۷ کارگر در سوئد زیر نام سوانج کار

سرمایه داری و سرمایه داران هستند که از هر اتهام و جرم و تقصیری معاف می شوند. واقعیت این است که آسمان دنیای سرمایه داری همه جا یک رنگ است. دولت ها و نهادهای حقوقی، قوانین و ساختار نظم مدنی و سیاسی بالاخره یک هدف را دنبال می کنند و به یک ضرورت پاسخ می گویند. هدف همه جا ارزش افزایی انبوه تر سرمایه و ضرورت همه جا قربانی شدن انسان ها در آستان سوداندوزی بیشتر سرمایه است.

ژوئن ۲۰۰۸

حوادث حین کار برای مدت های طولانی پرونده به اصطلاح تحقیق ریشه های حادثه! باز می ماند. این تحقیقات و ریشه یابی ها! گاه چند دهه طول می کشد. پیداست که طی این مراسم و در لابه لای سامان پذیری بوروکراتیک این جستجوها بخش قابل توجهی از حاصل کار و استئمار توده های کارگر هم بلعیده می شود. گروه های زیادی می آیند و گروه هایی می روند و هر کدام از رؤسا و عوامل دست اندر کار وجوه هنگفتی از اضافه ارزش های تولید شده توسط توده های کارگر را نصیب خود می سازند. نکته اساسی این است که در پایان این دوره های طولانی و پر پیچ و خم و بسیار پرهزینه تحقیقات آخر کار فقط سرمایه، نظام

در ۵ ماهه نخست سال جاری میلادی حدود ۳۵ کارگر در حوادث ناشی از کار به قتل رسیده اند. شمار تلفات حین کار توده های کارگر نسبت به سال پیش به طور چشمگیر افزایش یافته است. سوئد به لحاظ توجه به شرایط ایمنی کار و امنیت محیط کار در مقایسه با غالب جوامع دنیا، حتی در قیاس با کشورهای اروپای غربی، از استانداردها و معیارهای بالاتری برخوردار است. بر همین اساس، قتل ۷ کارگر برای هر ماه در حین کار در این کشور نشان می دهد که آمار این نوع حوادث و تلفات انسانی ناشی از آن در سایر جوامع سرمایه داری تا چه حد بالا است. روال متعارف کار بوروکراسی سرمایه در سوئد این است که به دنبال وقوع

## افزایش ۵۰ درصدی قراردادهای موقت

فازی از توحش سرمایه داری که کارگر نیروی کارش را به نازل ترین بهای ممکن بی هیچ قید و شرطی بدون برخورداری از هیچ نوع بیمه ای و حق و حقوق انسانی برای استئمار هر چه سببانه تر در اختیار سرمایه قرار می دهد. نظام سرمایه داری در موقعیتی است که تکلیف خود را با طبقه کارگر بسیار صریح و سراسر است این طور تعریف کرده است و با بی رحمی تمام به اجرا می گذارد. در مقابل این وضعیت و در برابر این همه توحش سرمایه، هیچ بخشی از طبقه کارگر نمی تواند حتی به نان فردای خود امیدوار باشد. تدارک مبارزه سراسری و متحد علیه سرمایه تنها راه نجات کارگران دنیا است.

۳ تیر ۸۷

برهوت بیکاری رهسپار می سازد. این ها همه احکام قطعی سرمایه و نظام بردگی مزدی است. به اطراف خود نگاه کنیم. در سراسر جهان چراغ عمر استخدام نیروی کار یا انعقاد قراردادهای بلند مدت میان سرمایه و کارگر رو به خاموشی است. در همین شهر تهران و در منطقه غرب این شهر در عرض مدت چند ماه شمار قراردادهای کوتاه مدت ۵۰ درصد افزایش یافته است. جایگزینی پرشتاب شیوه سابق استخدام با قراردادهای موقت کار یعنی محروم شدن کامل و مطلق کارگر از هر نوع چون و چرا درمورد فروش نیروی کار خویش، یعنی فاز بسیار جنایتکارانه تر و بشرستیزانه تری از حیات بردگی مزدی که در آن هیچ کارگری حتی برای فروش فردای نیروی کار خود از هیچ نوع تضمینی برخوردار نیست.

نظام سرمایه داری بر سر هر کوی و برزن در سراسر جهان با رساترین صدا فریاد می زند که هیچ نوع تضمینی برای ادامه کار و تأمین معاش هیچ کارگری حتی برای چند روز هم ندارد. این نظام با همین صدای زمخت جان خراش و مرگ آلود اعلام کرده و می کند که در رابطه خرید و فروش نیروی کار هیچ شرطی را از جانب کارگر یعنی فروشنده این نیرو قبول نمی کند. سرمایه داری بسیار مستانه نعره می کشد که فعال مایشاء است. همه شروط خود را بر کارگران تحمیل می کند، نیروی کار را فقط با ارزان ترین بهای ممکن می خرد، به محض احساس عدم نیاز به نیروی کار صاحب این نیرو را به باتلاق گرسنگی و مرگ پرتاب می کند. علاوه بر این، به محض دیدن نیروی کار ارزان تر تمامی کارگران قبلی خود را به

## جنايات سرمایه علیه کارگران بی پناه افغانی

آنچه که عمال سرمایه و دولتمردان علیه کارگران افغانی انجام می دهند خوی و سرشت سرمایه است. مسئله بسیار مهم و اساسی در اینجا وظیفه ای است که بر دوش توده های کثیر کارگر مقیم شهر شیراز و سایر شهرهای اطراف سنگینی می کند. این کارگران هستند که باید بدون هیچ هراسی در حفظ جان همزنجیران افغانی خویش بکوشند. آنان هستند که باید آوارگی و بی سرپناهی کودکان افغانی را آوارگی و در به دری کودکان خود تلقی کنند. این وظیفه انسانی و طبقاتی مفروض کل کارگران ایران است که با صدای رسا و قامت استوار به حمایت از کارگران افغانی برخیزند.

۳ تیر ۸۷

نقلیه اجاره دهند به جرمه های سنگین و مجازات های سخت محکوم خواهند شد. جنایاتی که دولت سرمایه داری علیه این کارگران روا می دارد هیچ دست کمی از جنایات نازی ها علیه بشریت، جنایات سرمایه جهانی علیه آوارگان فلسطین یا جنایات نژادپرستان رودزیا علیه سیاهان ندارد. کارگران افغانی چندین دهه است که توسط سرمایه داران خون آشام ایرانی به سببانه ترین شکل ممکن استئمار می شوند. طول و عرض و ارتفاع سلسله جبال عظیم سرمایه هائی که این کارگران برای سرمایه داران ایرانی تولید کرده اند با هیچ رقمی قابل بیان نیست. نظام سرمایه داری اینک با این کارگران چنین می کند.

در شهر شیراز یکی از هولناک ترین فجایع انسانی در شرف وقوع است. عمال سرمایه در این شهر به نیروی انتظامی و سرکوبگران دولتی دستور داده اند که تمامی کارگران افغانی را که در آلونک های نمور اطراف زندگی می کنند از درون این آلونک ها به بیرون پرتاب کنند. عمال سرمایه همزمان به مردم شهر شیراز اخطار کرده اند که هیچ کس حق راه دادن این کارگران به خانه خود را ندارد، هیچ سکنه شهر حق ندارد هیچ اتافی حتی در قبال دریافت اجاره به کارگر افغانی بسپارد. دولتمردان سرمایه در نهایت سنگدلی و قساوت و توحش اعلام کرده اند که تمامی کسانی که به کارگران آواره افغانی خانه یا اتوموبیل و وسیله

## سوختن یک کارگر در آتش سرمایه

یک نکته مهم در این گذر این است که کارگر مقتول در جانی کار می کرده است که چندین هزار کارگر در طول چند هفته برای تحمیل مطالبات خود بر صاحبان سرمایه در حال اعتصاب بوده اند. بهبود شرایط کار یا در واقع کاهش وخامت و حالت مرگبار شرایطی که کارگران در آن کار می کرده اند دقیقاً یکی از خواسته های مهم این اعتصاب بوده است. سرمایه داران در مقابل اعتراضات کارگران نه فقط هیچ وقعی نگذاشتند بلکه به هر جنایاتی علیه آنان دست زده اند. نیروهای امنیتی و قوای سرکوب دولت سرما یه داری نیز در طول تمامی روزهای اعتصاب برای حمایت از منافع

است. سرمایه دار صاحب کارخانه با یقین قاطع به این که جان کارگر واجد هیچ ارزشی نیست و با اعتماد و اطمینان ۱۰۰ در صد که در قبال قتل عمد هزارها کارگر هم هیچ جرمی به سراغ او نخواهد آمد و هیچ نوع اتهامی بر دامن کبریای سرمایه دارانه اش نخواهد نشست به هیچ یک از مسائل مربوط به ایمنی محیط کار هیچ توجهی نکرده و هیچ نوع وسائل لازم برای حفظ جان کارگران را تهیه ننموده است. کارگر مزبور ۲۶ سال داشته است و با مرگ او به طور قطع خانواده اش نیز از هیچ درآمدی برای امرار معاش خود برخوردار نخواهند بود

کارگری که در حین کار مشغول تمیز نمودن لباس کار خود با بنزین بود ناگهان دچار آتش سوزی شد و جان خود را از دست داد. او در کوره پزخانه های ارومیه کار می کرد. شرایط کار او فاقد هر نوع امکانات ایمنی بوده است. استفاده از بنزین در کنار شعله های آتش در حین کار هیچ نوع ممنوعیتی به همراه نداشته است و هیچ قرار و قانون و قاعده ای که وجود مواد مهلک و آتش زا را در محیط کار ممنوع سازد، وجود نداشته است. پس از وقوع آتش سوزی و هنگام سوختن این کارگر در میان شعله های آتش نیز هیچ وسیله ای برای خاموش ساختن آتش در اختیار کارگران دیگر نبوده

## انحطاط اتحادیه های کارگری در ویتنام

درست کنید تا از طریق آن ها حقوق خویش را از سرمایه داران بگیری. این ها دروغ می گویند و آنچه هم اکنون در ویتنام جریان دارد بهترین و گویاترین شاهد دروغگویی این آدم ها است. در ویتنام، اتحادیه ها نه تنها هیچ اعتصاب کارگری را سازمان نداده و نمی دهند، نه تنها با هیچ اعتصابی همسویی نمی کنند، بلکه با همه توان برای متقاعد کردن توده کارگر به قبول حداکثر شدت استثمار سرمایه تلاش می کنند.

در ویتنام هیچ کارگری برای پیشبرد مبارزه طبقاتی خود علیه سرمایه به اتحادیه رجوع نمی کند. زیرا به تجربه دریافته است که سندیکاها و اتحادیه ها ظرف مبارزه او علیه سرمایه و شدت استثمار سرمایه داری نیستند. بر عکس، این سرمایه داران و صاحبان تراست های عظیم سرمایه داری ممالک مختلف جهان هستند که مرتب به اتحادیه های کارگری رجوع می کنند و این اتحادیه ها را به خاطر درماندگی و ناتوانی شان در خاموش ساختن شعله مبارزه و اعتصاب کارگران سرزنش می کنند!

آخرین نکته که کمتر از سایر نکات جالب نیست این است که اتحادیه ها در پاسخ اعتراض کارفرمایان و صاحبان سرمایه هیچ به آن ها نمی گویند که مثلاً کارگران زیر فشار گرسنگی و فلاکت و شدت استثمار مجبور به مبارزه هستند، نه. آن ها اصلاً این حرف را نمی زنند. زیرا اساساً چنین عقیده ای ندارند. سخن آن ها خطاب به صاحبان سرمایه و کارفرمایان این است که ما برای مهار مبارزات کارگران و جلوگیری از وقوع اعتصابات هر کاری از دستان آمده کرده ایم و می کنیم، اما کارگران ما را قبول ندارند و به حرف های ما گوش نمی دهند.

عبارت بالا راست ترین و چه بسا تنها سخن راستی است که جنبش اتحادیه ای در ویتنام و سایر کشورهای دنیا به زبان رانده است. باز هم جالب و شنیدنی است که عوامل همین اتحادیه ها اضافه می کنند که کارگران خودشان بدون هیچ نیاز به ارتباط با ما بسیار سریع مبارزاتشان را سازمان می دهند و اعتصابات وسیع راه می اندازند. وقوع ۳۳۰ اعتصاب « غیرقانونی» در عرض کمتر از ۶ ماه و سرشکن کردن دنیایی ضرر و زیان بر کرده سرمایه های عظیم بین المللی خود بهترین گواه صحت این مدعا است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۷/۴/۲

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)

ویتنام از جمله کشورهایی است که سیل سرمایه های شرکت ها و انحصارات عظیم صنعتی و مالی دنیا را به سوی خود سرازیر ساخته است. نیروی کار شبه رایگان کارگران این کشور گنج بادآورده فناناپذیری است که کرکسان مرده خوار صاحب سرمایه از همه سو برای استثمار وحشیانه آن دندان تیز کرده و به سوی آن هجوم آورده اند. شدت استثمار نیروی کار در اینجا مافوق همه معیارهای متعارفی است که اینجا و آنجا در گزارش های رسمی دنیای سرمایه داری انعکاس می یابد. دستمزد کارگران از ۶۰ دلار آمریکا در ماه تجاوز نمی کند. روزانه کار بسیار طولانی و توان فرسا است. شرایط کار دردآور و آزار دهنده و بیش از حد فرساینده است. بر اساس آنچه که حتی در روزنامه های رسمی محافل مختلف سرمایه جهانی درج شده بهای تمام شده یک جفت کفش « نایک» در ویتنام از ۲ دلار بالاتر نمی رود. تنها علت سطح بسیار نازل هزینه تولید کفش برای کارتل عظیم « نایک» در این کشور همان ارزانی هولناک و جنایتکارانه نیروی کار طبقه کارگر است. « نایک» این کفش ها را در بازار کشورهای اروپایی با بهای ۶۰ دلار به دست مشتریان خود می رساند. نرخ استثمار کارگران توسط تراست عظیم صنعتی مذکور رقمی حیرت آور است. این نرخ از ۱۰۰۰۰ درصد افزون است.

ضعیف مرگبار بالا گسترش روزافزون موج مبارزات کارگران ویتنام را به دنبال داشته است. آنان فقط از آغاز سال میلادی جاری تا کنون یعنی در طول کمتر از ۶ ماه ۳۳۰ اعتصاب عظیم را علیه شدت مرگ آفرین استثمار سرمایه سازمان داده اند. صدها هزار کارگر در این اعتصاب شرکت کرده و در طول این اعتصابات زیان های بسیار عظیمی را بر صاحبان سرمایه ها وارد ساخته اند.

نکته بسیار اساسی و قابل توجه این است که کل ۳۳۰ اعتصاب سازمان یافته کارگران در طول این ۶ ماه همه بدون استثنا در خارج از مدار دخالت اتحادیه های کارگری صورت گرفته و اتحادیه ها در هیچ موردی هیچ نوع توافقی با این اعتصاب ها نداشته اند. از این مهم تر، به اعتراف صریح سران اتحادیه های کارگری ویتنام این نهادها تمامی تلاش و توان توطئه پردازی و ترفندبازی خویش را به کار گرفته اند تا شاید از سازمانیابی این اعتصابات جلوگیری کنند، اما در هیچ موردی موفق نشده اند.

داستان ضدیت اتحادیه های ویتنام با جنبش کارگری به همین جا ختم نمی شود. این داستان بحق برای همه کارگران دنیا و به طور اخص برای توده های طبقه کارگر ایران بسیار درس آموز است. روال معمول کار سندیکالیست ها و رفرمیست های فعال در جنبش کارگری دنیا و از جمله جنبش کارگری ایران این است که به کارگران می گویند: سندیکا و اتحادیه

## یک سال مبارزه در کارخانه «کویرتایر»

طور کامل قطع کرده است. همه کارگران به قبول مرگبارترین و مهلک ترین شرایط کاری مجبور شده اند و هر گونه اعتراض آنان به شرایط پرحادثه و مرگ آفرین کار با تهدید به اخراج مواجه می شود.

دست به دسیسه زده است. کارفرما ساعات کار کارگران را تا سرحد ممکن افزایش داده است. زمانی کاری را که قبلاً اضافه کاری برای کارگران محسوب می شد اکنون و به دنبال بالا بردن روزانه کار عملاً به عنوان زمان کار اجباری بدون حق اضافه کاری بر کارگران تحمیل و هر نوع حقوق اضافه کاری آنان را به

کارخانه کویرتایر در شهر بیرجند در استان خراسان جنوبی قرار داد و شمار زیادی کارگر را استثمار می کند. سرمایه دار صاحب این شرکت در طول یک سال اخیر به انحای مختلف برای تشدید استثمار کارگران، و خیم تر ساختن شرایط کار، بیکارسازی و کاهش هر چه بیشتر بهای نیروی کار توده کارگر تلاش کرده و

کارگران کوپرتایر بیرجند در مقابل این ستمگری ها و بیرحمی های سرمایه دار صاحب شرکت دست به اعتراض زده اند، اما

سرمایه دار اعلام کرده که در صورت تکرار و ادامه این اعتراضات کل کارگران کنونی را یکجا اخراج خواهد کرد و به جای آن ها نیروی

کار بسیار ارزان تر و شبه رایگان تر را به کار خواهد گرفت. ۲ تیر ۸۷

## تعطیل بیش از ۱۰۰ کارخانه و بیکاری هزاران کارگر در قزوین

در طول ۸ سال گذشته بیش از ۱۰۰ کارخانه در شهر قزوین تعطیل شده است. شمار کارگرانی که در اثر تعطیل شدن این واحدهای صنعتی بیکار شده اند از چند هزار نفر هم بیشتر است. سرمایه داران صاحب این شرکت ها هر کدام سرمایه های خود را به حوزه های سودآورتر منتقل کرده اند. آنان در عرصه های جدید سرمایه گذاری به صورت بسیار نقشه مند و برنامه ریزی شده از استخدام کارگران قدیمی خودداری می کنند. این کار چند دلیل دارد. اولاً نیروی کار کارگران جدیدی را که مورد استثمار قرار می دهند بسیار ارزان تر می خردند، ثانیاً از بی تجربگی، کم سابقگی و اجبار

رقت بار این کارگران به فروش نیروی کارشان حداکثر سوء استفاده را می کنند و خیلی راحت فریاد نارضائی آنان را خفه می کنند. ثالثاً در بسیاری موارد ماه ها دستمزد کارگران سابق را هم با توسل به صدها ترفند و بهانه پرداخت نمی کنند و مزدهای پرداخت نشده کارگران را به سرمایه های خویش اضافه می کنند. کارگران اخراجی این مؤسسات و شرکت های صنعتی در طول این ۸ سال به شکل های مختلف برای بازگشت خویش به کار تلاش کرده و دست به مبارزه زده اند. آنان بارها به صورت متحد و دسته جمعی در شهر صنعتی قزوین تجمع نموده و علیه جنایات سرمایه داران و عمال دولتی آن

ها اعتراض کرده اند. بر اساس گزارشات روزنامه ها شمار کارگران بیکار شده ای که تا امروز موفق به یافتن هیچ کاری نشده اند از ۵۰۰۰ نفر هم بالاتر است. این کارگران به رغم تحمل همه شکست ها باز هم به مبارزه خویش ادامه می دهند. آنان قرار است در جریان مسافرت احمدی نژاد به شهر قزوین در یک حرکت اعتراضی دسته جمعی و متحد شرکت کنند.

۲ تیر ۸۷

## تلاش دولت سارکوزی برای مقابله با اعتراضات کارگران فرانسه

دولت سرمایه داری فرانسه به دنبال گسترش روزافزون موج مبارزات توده های کارگر اعلام کرده است که حداقل دستمزد کارگران را چند سنت در ساعت افزایش خواهد داد. بر اساس آنچه روزنامه ها نوشته اند قرار است میزان پایه مزدها از ساعتی ۸ یورو و ۶۳ سنت به ۸ یورو و ۷۱ سنت تغییر کند. این تغییر برای کارگری که روزی ۸ ساعت و در هر ماه ۲۲ روز یعنی به صورت تمام وقت کار می کند از ۱۴ یورو در ماه بالاتر نخواهد بود. همه شواهد حاکی است که دستمزدهای واقعی توده های کارگر در طول ماه های اخیر زیر فشار افزایش جهشی بهای نیازهای عمومی زندگی حدود ۱۰ درصد یا بیشتر کاهش یافته است.

افزایش ۱۴ یورو در ماه برای کارگری که به طور مثال از دستمزد ماهانه ۱۵۰۰ یورو برخوردار باشد از یک درصد هم پائین تر است. به این ترتیب، پیدا ست که پاسخ بسیار عوام فریبانه دولت سارکوزی به اعتراضات کارگران نمی تواند هیچ کارگری را فریب دهد. دولت سرمایه داری فرانسه چند ماه پیش نیز در رویارویی با فشار کوبنده مبارزات کارگران مجبور شد به افزایش حقوق چند یورو در ماه رضایت دهد و حداقل دستمزدها را از هشت یورو و ۴۴ سنت به هشت یورو و ۶۳ سنت برساند. عقب نشینی دولت سرمایه دار این سطح هیچ معضلی از نظام سرمایه داری را حل نکرد و هیچ کاهشی در وسعت و شدت مبارزات

کارگران پیش نیاورد. آنچه در حال حاضر توسط دولت سارکوزی انجام می گیرد نیز به طور قطع موج مبارزات کارگران را دچار هیچ اقلی نخواهد کرد. سطح معیشت و امکانات رفاهی و حقوق اجتماعی توده های کارگر زیر فشار تعرضات سرمایه به طور بی امان در حال تنزل است. دامنه اعتراض و مبارزه کارگران علیه جنایت و بربریت سرمایه نیز طبعاً هر روز بیش از پیش گسترش خواهد یافت.

ژوئن ۲۰۰۸

## توطئه جدید سرمایه برای غلبه بر مبارزات کارگران هفت تپه

یعقوب شفیعی مدیر عامل سرمایه در شرکت نیشکر هفت تپه به دنبال ماه ها فرار از دست خشم و قهر و عصیان توده کارگر این کارخانه اینک زیر پوشش تدابیر امنیتی بسیار گسترده نیروهای انتظامی و قوای سرکوب دولت سرمایه داری به سر کار خویش در این شرکت بازگشته است. او آمده است تا برگ توطئه جدیدی را به کارنامه دسیسه ها و ترفندهای عمال سرمایه برای به شکست کشاندن مبارزات

کارگران بیفزاید. شفیعی پس از حضور در کارخانه در حالی که توسط شمار کثیری پلیس و نیروی ضدشورش و عوامل حراست سرمایه محافظت می شد خطاب به کارگران گفت که اگر به سر کار بازگردند مطالبات آنان پرداخت خواهد شد. آنچه شفیعی در این روز بر زبان رانده بارها توسط عوامل دیگر سرمایه با هدف درهم شکستن صفوف اتحاد و همدلی و همبستگی کارگران بر زبان رانده شده است.

کارگران به اندازه کافی این ترفندها را تجربه کرده اند. درست به همین دلیل هیچ کارگری برای حرف های او تره ای خرد نکرد. کارگران هفت تپه به دنبال شنیدن این وعده ها بدون این که دچار هیچ نوع توهم و تردیدی بشوند یک صدا اعلام کردند که به مبارزاتشان ادامه خواهند داد.

۲ تیر ۸۷

## اعتراض کارگران راننده تاکسی در شهرهای مختلف

وضعیت شده اند. رانندگان تاکسی در برخی شهرها تهدید کرده اند که در صورت عدم توجه به خواسته هایشان دست به اعتصاب خواهند زد.

تیر ۸۷

فشار بار سنگین گرانی ها، در مورد سوخت لازم برای ساعات کار خویش نیز با مشکلات بسیار جدی مواجه هستند. این کارگران در طول ماه های اخیر در شهرهای مختلف علیه این وضعیت اعتراض کرده اند. آنان در شوشتر، نکا، کرمان و جاهای دیگر دست به تحصن زده و خواستار یافتن راه حلی برای غلبه بر این

کارگران راننده تاکسی در شهرهای مختلف در اعتراض به کاهش چشمگیر میزان درآمد و تنزل فاحش سطح معیشتی خویش دست به اعتراض زدند. افزایش سرسام آور بهای نیازهای عمومی زندگی دامنه فقر و فلاکت تمام بخش های طبقه کارگر را بسیار بیش از پیش گسترش داده است. رانندگان تاکسی علاوه بر

## ۵ ماه کار بدون مزد و سپس اخراج

کند. بر اساس تباتی ها و مراودات مافیائی میان خویش و سرمایه دار صاحب کارخانه آب طبس محل کار کارگران مذکور را در کارخانه اخیر تعیین کرده است. ۴۰ کارگر یاد شده ۵ ماه تمام است که با شدت و حدت هر چه تمام تر در اینجا استثمار شده اند و هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. کارگران برای دریافت مزدهای خود دست به اعتراض زده اند و کارفرمای « فرابند کاو» طبس در یک روز صبح بدون پرداخت هیچ دستمزدی کل این ۴۰ کارگر را یکجا اخراج کرده است.

تیر ۸۷

ها ی تولیدی به یک شیوه متداول استثمار وحشیانه نیروی کار تبدیل شده است. شکلی که در آن برده مزدی نه فقط مزد نمی گیرد که حتی نان بخور و نمیری را که بردگان دوره برده داری از اربابان برده دار خود می گرفتند نیز دریافت نمی کند. این کشف فوق مافیائی سرمایه داری در شرایط متفاوت به صور مختلف و با حالات و اشکال متفاوت توسط سرمایه داران به کار گرفته می شود. به طور مثال حتی در بسیاری از کارخانه های بزرگ هم رسم شده است که ماه ها هیچ دستمزدی به کارگر پرداخت نمی کنند و سپس او را بیکار می سازند. سرمایه دار صاحب شرکت « فرابند کاو» طبس نیز از جمله خیل کثیر همین سرمایه داران است. او حداقل ۴۰ کارگر را استثمار می

روزی نیست که سرمایه داران را ن راهکار جدیدی را برای تعمیق شدت استثمار و توسعه دامنه فقر و گرسنگی و سیاه روزی طبقه کارگر کشف نکنند و به اجرا نگذارند. این سرمایه داران کارشان این است که شمار زیادی کارگر را برای مدتی به حادثترین و فرساینده ترین شکل ممکن استثمار می کنند. در این مدت زیر عناوینی مثل دوره آزمایشی یا هر اسم و عنوان و بهانه دیگر ریالی دستمزد به آنان پرداخت نمی کنند و سپس در پایان این دوره کارگران مزبور را اخراج و عین همین بلا و بدبختی را بر سر جمعیت دیگری از بردگان مزدی سرمایه در می آورند. این روش یا این آخرین دستاورد دانش تبهکاری سرمایه، به طور واقعی برای عده ای از سرمایه داران در پاره ای از رشته

## ایجاد اشتغال از طریق اخراج کارگران

مالکیت دولت سرمایه دارای یا بانکاران خصوصی ایران قرار داشته به صورت وام دریافت کرده است. او این وام را زیر نام « ایجاد اشتغال» از بانک ها گرفته است و در پی وصول آن بلافاصله با فراغ بال و آسودگی کامل خیال کل کارگران قدیمی خود را برای همیشه اخراج کرده است. سرمایه دار صاحب « دامکو» و گیرنده وام ۵ میلیارد تومانی پس از این کار خویش، تعدادی کارگر جدید را با دستمزد بسیار پائین تر و فشار کار بسیار سهمگین تر و طبیعتاً با قراردادهای موقت به جای آن ها مشغول کار ساخته است. اندکی دقت کنید و ببینید که این سرمایه دار بسیار زیرک مبتکر!! به یمن شرایطی که دولت سرمایه داری در اختیارش قرار داده است چگونه با یک تیر ده ها شکار کرده است. ۵ میلیارد محصول کار و استثمار کارگران را به مالکیت خود در آورده و به عنوان سرمایه برای استثمار وسیع تر و عظیم تر توده های کارگر سرمایه گذاری است. او عده ای کارگر با دستمزد بالاتر را بیکار کرده و به جای آن ها کارگران با دستمزد نازل تر را برای استثمار حادثتر و مرگبارتر به

مصدق بسیار روشن و شفاف این تغییر معنای تاریخی را بیشتر از همه جا در اقدامات روزمره آحاد سرمایه داران ایرانی می توان مشاهده کرد. اینان جمعیت کثیری از کارگران شاغل را اخراج می کنند و به جای آن ها تعداد بسیار کمتری کارگر را با دستمزد بسیار نازل تر و فشار کار بسیار فرساینده تر و مرگبارتر استخدام می کنند. این سرمایه داران و دولت آن ها همین عمل را به نام ایجاد اشتغال و کاهش میزان بیکاری در بوق و کرنا می کنند. بخش قابل توجهی از اخبار و گزارشات دولت سرمایه داری که شب رو روز پیرامون طرح های گوناگون توسعه اشتغال و ایجاد کار در شبکه های خبری این رژیم به گوش شهروندان فرو می کنند از همین سنخ کارآفرینی ها و کاهش بیکاری ها است!! یک نمونه بسیار آشکار این نوع شغل آفرینی کاری است که جناب سرمایه دار صاحب شرکت لبنیاتی « دامکو» در منطقه لارستان فارس انجام داده است. ایشان بر اساس گزارشات مندرج در روزنامه ها ۵ میلیارد تومان حاصل کار و استثمار توده های کارگر ایران را که به صورت سرمایه بانکی در

هر چه نظام سرمایه داری عمیق تر در ورطه انحطاط فرو می غلظد، هر چه تناقضات و گندیدگی های ذاتی این نظام عریان تر می شود، هر چه ماندگاری سرمایه داری به فشار جنایتکارانه تر و قهرآمیزتر علیه بشریت بیشتر مشروط می شود، به همان اندازه اصطلاحات و الفاظ و عناوینی که این نظام برای پدیده ها، سیر رخدادها یا مواقع روزمره انتخاب می کند نیز عوام فریبانه تر، شیدانه تر و چندان آمیزتر می گردد. زمانی توسعه انباشت سرمایه در همان حال که شمار کارگران در قیاس با حجم عظیم سرمایه های پیش ریز شده را به طور نسبی کاهش می داد، اما به صورت مطلق و عددی کارگران جدیدی هم استخدام می شدند و در این گذر بر جمعیت بردگان مزدی شاغل افزوده هم می شد. این دوران دیری است که به پایان رسیده است. دهه های زیادی است که در سراسر جهان توسعه سرمایه گذاری ها نه فقط هیچ کار جدیدی ایجاد نمی کند بلکه انبوه بیکاران دنیا را انبوه تر می سازد. در همین راستا در سراسر دنیای موجود اصطلاح «ایجاد اشتغال» معنای کاملاً تازه ای پیدا کرده است.

کارگرفته است. کارگران قدیمی به دلیل سابقه کار طولانی و تجارب جمعی طبقاتی برای گرفتن مطالبات ابتدائی خود اینجا و آنجا دست به کار مبارزه می‌شدند و به یکه تازی او در

تشدید استثمار خویش اعتراض می‌کردند. کارگران جدید از این لحاظ برای او بسیار کم‌خطرتر هستند. از همه این‌ها گذشته ایشان به عنوان یک سرمایه‌دار ایجاد کننده کار و

اشتغال مورد تقدیس عمال دولتی سرمایه‌نیز هست و.....

تیر ۸۷

## کارگران صنایع فلزی و ماه‌ها کار بدون دستمزد

در همین مدت زیر نام پرداخت حقوق کارگران ۵۰۰ میلیون وام دریافت کرده‌اند اما باز هم هیچ ریالی به کارگران پرداخت نکرده‌اند.

تیر ۸۷

بار با وعده و وعیدهای دروغین کارفرمایان و عمال دولتی سرمایه، کار خویش را از سر گرفته و به تولید سود برای سرمایه‌داران ادامه داده‌اند. تعویق ۲ ساله دستمزدها کل این جمعیت چند صد نفری کارگر و هزاران عضو کوچک و بزرگ خانواده‌های آن‌ها را به طور واقعی به روز سیاه نشانده است. سرمایه‌داران

۳۵۰ کارگر صنایع فلزی ۲ سال تمام است که کار می‌کنند و دستمزدی دریافت نگرفته‌اند. ۱۹۰ کارگر دیگر که در کارخانه مصنوعات زرین به کار اشتغال دارند نیز با همین فاجعه کار کردن و دستمزد نگرفتن مواجه هستند. کارگران این واحدها در طول این مدت بارها اعتراض کرده و دست از کار کشیده‌اند، اما هر

## بیکارسازی در ایران صدرا و دور جدید مبارزات کارگران

سرمایه چه اقداماتی را می‌توانند انجام دهند. ما قبلاً در این زمینه بحث کرده‌ایم و اکنون با توجه به آنچه رخ داده و در شرف رخ دادن است یک بار دیگر نکات اساسی حرف‌های خویش را تکرار می‌کنیم. این نکات عبارتند از:

۱. مقدم بر هر چیز باید تمامی توطئه‌های سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را نقش بر آب کرد. پرداخت چند ماه و هر ماه چند تومان بیمه بیکاری حتی اگر پرداخت شود مشکل هیچ کارگری را حل نمی‌کند. هیچ‌کس نباید فریب این دسیسه را بخورد. هدف صاحبان سرمایه صرفاً فریب دادن ما و پیش بردن نقشه‌های شوم ضد کارگری خویش است. آنان به محض اطمینان از امکان مهار شعله‌های خشم و اعتراض ما هیچ ریالی بیمه بیکاری پرداخت نخواهند کرد. توطئه آن‌ها برای عدم اخراج یکجای کارگران نیز نباید انبوه کارگران در معرض اخراج یا حتی کارگرانی را که تهدید به اخراج نشده‌اند فریب دهد. همه ما برای هر لحظه و هر کجا آماج تعرض و تهاجم هر چه هارتر سرمایه‌هستیم و هیچ کارگری در جامعه ما حتی برای فروش فردای نیروی کار خود نیز هیچ تضمینی ندارد.

۲. همه ما کارگران باید دست اتحاد با همدیگر را هر چه سخت‌تر فشار دهیم. کارگران اخراجی و در معرض اخراج باید با سایر همزنجیران خود گفتگو کنند. آن‌ها باید تمامی ترفندها و دسیسه‌پردازی‌های سرمایه‌داران را برای همگان افشا کنند. کارگران باید همزمان تلاش کنند تا با کارگران حوزه‌های دیگر کار و تولید ارتباط برقرار کنند. مبارزه علیه اخراج کارگران ایران صدرا باید و می‌تواند ستون فقرات یک جنبش نیرومند کارگری در سطح

را مجبور به عقب‌نشینی کرد. آنان قبول کردند که کارگران به سر کار باز گردند و برای غلبه بر عصیان و خشم و قهر توده‌های کارگر حتی وعده دادند که برای تضمین تداوم اشتغال آنان کارهایی انجام دهند. کارفرمایان و دولت آن‌ها درست همزمان به صورت نقشه‌مند و برنامه‌ریزی شده شروع به ساختن زمینه‌های لازم برای کاهش وسیع نیروی کار کارخانه کردند. قبل از هر چیز با با مسئولان اداره کار وارد مذاکره شدند تا پیرامون اجرای یک دسیسه مشترک ضد کارگری و انسان ستیزانه با آنان به توافق برسند. بر اساس این دسیسه مسئولان دولتی اداره کار اعلام می‌کردند که کارگران اخراجی می‌توانند برای مدتی از یک سطح بسیار نازل بیمه بیکاری بهره‌مند شوند. این گام نخست اجرای توطئه بود و این هدف را دنبال می‌کرد که شاید از میزان خشم و قهر و شدت عصیان کارگران نسبت به بیکارسازی‌ها و فشار سهمگین گرسنگی متعاقب آن کاسته شود. فاز دوم توطئه اخراج عملی کارگران به صورت زمان بندی شده و طی چند نوبت مختلف بود. این زمان بندی نیز به این دلیل صورت می‌گرفت که صفوف متحد کارگران در معرض اخراج حتی الامکان در هم شکسته شود و همه آن‌ها با هم به طور متحد و یکصدا دست به مبارزه نزنند. کارفرمایان و دولت آن‌ها همه این دسیسه‌های شوم را علیه توده‌های کارگر ایران صدرا تدارک دیده‌اند و اکنون گام به گام در صدد اجرای آن هستند. اخراج ۴۰۰ کارگر در روزهای اخیر یکی از حلقه‌های شوم این توطئه است.

سؤال بسیار اساسی در اینجا این است که کارگران اخراجی و در معرض اخراج ایران صدرا چه باید بکنند و در مقابل تعرضات هار

بخش نخست طرح ضد کارگری سرمایه‌داران و دولت آن‌ها برای اخراج جمع زیادی از کارگران ایران صدرا از امروز به اجرا نهاده شد. ۴۰۰ کارگر از کار بیکار شدند و طرح بیکار سازی ۶۰۰ کارگر دیگر شرکت در دستور کار است. سرنوشت اشتغال و ادامه کار کارگران کارخانه ایران صدرا مدت مدیدی است که محور مهم جنگ و ستیز جاری صاحبان سرمایه و توده کارگر شاغل در این مؤسسه است. در طول این مدت سرمایه‌داران با توافق دستگاه‌های دولتی حامی خویش چندین بار دست به اخراج کارگران زده‌اند. آخرین بار در نوروز همین امسال بود که کارفرمای شرکت ۴۰۰ کارگر را به بهانه پایان مدت قرار داد بیکار ساخت. این کارگران دقیقاً همین ۴۰۰ نفری هستند که اکنون با گذشت فقط ۳ ماه از آن تاریخ دوباره اخراج شده‌اند. در واقعه شروع سال جاری کارگران اخراجی ایران صدرا صحنه پرشکوهی از مبارزه و اعتراض را در برابر سرمایه‌داران و عمال دولتی آن‌ها به نمایش نهادند. آنان دروازه ورودی کارخانه را اشغال کردند و از همزنجیران شاغل خود خواستند که از ورود به کارخانه و راه انداختن چرخ تولید خودداری کنند. کارگران همزمان در مسیر عبور مسافران نوروزی که از مناطق مختلف ایران و کشورهای ساحل خلیج وارد بوشهر شده بودند دست به اجتماع زدند و اعتراض خویش علیه اقدامات ستم سرمایه‌داران و خطر حتمی گرسنگی و فقر و فلاکت خانواده‌های خود را به گوش آنان و از این طریق به گوش کارگران در جاهای دیگر رساندند.

در روزهای نوروز موج نیرومند مبارزات کارگران صاحبان سرمایه و دستگاه‌های دولتی

حصول این هدف ها گردیم کفه توازن قوا به سود ما و به زیان صاحبان سرمایه و دولت آنها تغییر می کند. این بسیار مهم است که اگر ما حتی موفق به پیمودن راه خویش تا آخر نشویم اولاً سنگ بنای درستی را برای مبارزات بعدی خود نه فقط در ایران صدرا و سطح استان بوشهر بلکه در وسعت جنبش طبقاتی خویش در سراسر ایران گذاشته ایم، ثانیاً به یمن هر میزان پیروزی که در این مسیر به دست آوریم سرمایه داران و دولتشان را به دادن امتیازات بیشتر مجبور خواهیم کرد.

۱ تیر ۸۷

۴. به کمک شورای ضد سرمایه داری خود کل کارخانه ایران صدرا را تصرف کنیم و اداره و برنامه ریزی کار و تولید آن را به دست گیریم.

۵. با اتکا به قدرت متحد دسته جمعی و طبقاتی خود دولت سرمایه داری را مجبور کنیم که تمام نیازهای اداره کارخانه را در اختیار شورای کارخانه قرار دهد.

کارگران ایران صدرا به طور واقعی راه دیگری برای ادامه مبارزه ندارند. یک چیز را فراموش نکنیم. به هر میزان که ما وسیعتر، مصمم تر و فعال تر وارد میدان مبارزه برای

استان بوشهر علیه سرمایه و دولت سرمایه داری گردد.

۳. در متن این تلاش باید شورای ضد سرمایه داری خود را تشکیل دهیم و از درون این شورا با دخالت خلاق و مؤثر و آگاه همه احاد کارگران برنامه سنجیده و جامعی را برای تماس با کارگران همه مناطق دیگر ایران و جلب حمایت آنان از جنبش خویش تنظیم و به اجرا گذاریم. بسیار طبیعی است که ارتباط با کارگران نفت و گاز و آب و برق و حمل و نقل و صنایع استراتژیک باید از بیشترین اولویت برخوردار باشد.

## «آلتادیس» بیش از ۲۰۰۰ کارگر را اخراج می کند

شش کارخانه خود را در کشورهای مختلف اروپا تعطیل می کند و کارگران این واحدها را بیکار می سازد. بر اساس اطلاع، علاوه بر ۱۰۰۰ کارگر اسپانیایی، ۸۳۰ کارگر فرانسوی، ۲۶۰ کارگر انگلیسی و ۲۵۰ کارگر آلمانی در چهار چوب طرح تعدیل ساختاری صاحبان این انحصار بیکار می شوند.

ژوئن ۲۰۰۸

حاصل کار بردگان مزدی خود را در قالب تکنولوژی ها و دستاوردهای عظیم علمی در سطحی بسیار وسیع تر به کار می گیرند، هر روز نیاز نسبی خود به نیروی کار را کاهش می دهند و برای تولید حجم عظیم تری کالا نیروی کار بسیار کمتری را به کار می گیرند. اخراج بیش از ۲۰۰۰ کارگر شرکت دخانیات «آلتادیس» نیز در همین راستا انجام می گیرد. تراست دخانیات معروف انگلیسی «امپریال توباکو» سهام شرکت اسپانیایی رقیب خود «آلتادیس» را خریده است. شرکت اخیر در دایره برنامه ریزی متمرکز انحصار امپریال توباکو

سیر تمرکز و ادغام سرمایه ها در همدیگر، استفاده سرمایه های متمرکز و ادغام شده از تکنولوژی مدرن تر، به کارگیری این تکنولوژی ها و دستاوردهای علمی، فنی، تخصصی و ارتباطاتی حاصل کار کارگران از یک سو و بالا بردن سرعت، شدت، سختی و فرسایندهای کار کارگران و بیکاری و سلاخی معیشت و امکانات زیستی توده های کارگر از سوی دیگر سرشت جبری و اجتناب ناپذیر شیوه تولید سرمایه داری است. تاریخ سرمایه داری تاریخ تکامل این روند است. سرمایه ها هر روز بیشتر در هم ادغام می شوند. هر روز

## خطر اخراج کارگران کارخانه های کفش و کیف

خویش را تغییر می دهند و در حوزه های جدید شروع به استثمار نیروی کار بسیار ارزان تر و شبه رایگان تر می کنند. در این میان فقط کارگران هستند که از زمین و زمان نظام سرمایه داری مباران می شوند. رقابت سرمایه های ایرانی و چینی در بازار داخلی و کاهش بازار فروش برای سرمایه های داخلی در همان گام اول بیکارسازی انبوه کارگران کارخانه های کیف و کفش را در دستور کار سرمایه داران صاحب این کارخانه ها قرار داده است.

۳۱ خرداد ۸۷

را به میزان زیادی محدود ساخته و تقریباً به نصف رسانده است. حاصل این روند، کاهش نیاز به کالاهای تولید شده این کارخانه ها به دلیل بهای ارزان تر کالاهای چینی است. پیداست که تنزل هولناک سطح معیشت ده ها میلیون نفوس خانواده های کارگری ایران و ناتوانی آنان برای خرید کفش و کیف هم در این ماجرا کاملاً تأثیر دارد. نکته بسیار اساسی این است که کفاره سودجویی بیشتر سرمایه داران را صرفاً کارگران باید بپردازند. رقابت میان سرمایه های ایرانی و چینی تا جایی که به صاحبان ایرانی سرمایه ها مربوط می شود هیچ زبانی را متوجه آنان نمی کند. این سرمایه داران بی درنگ عرصه انباشت سرمایه های

بخش های مختلف سرمایه در سطح جهانی برای تسخیر بخش هر چه بیشتری از بازار فروش و تصاحب سهم هر چه عظیم تری از اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر دنیا با هم به هر رقابتی دست می زنند. سرمایه در پیشبرد این رقابت هیچ مرز و ملیت و معیار و ضابطه و دین و آیینی را هم در نظر نمی گیرد. در سال های اخیر، سودآور بودن فروش کالاهای چینی در بازار داخلی ایران از جمله فروش کیف و کفش ساخت کارگران چین سبب شده است که سرمایه داران زیادی سرمایه های خویش را در حوزه خرید و فروش این محصولات پیش ریز کنند. این امر بازار فروش کفش و کیف تولید شده در کارخانه های داخلی

## کارگران راننده فرانسوی و ایجاد راه بندان اعتراضی

رانندگان کامیون با صدور اطلاعیه ای از همه اهالی پاریس و شهرهای مجاور خواستند که از ورود به این اتوبان ها خودداری کنند. اعتراض کارگران راننده بخشی از اعتراض سراسری

۲۰۰ راننده کامیون با راه انداختن خودروهای خویش در اتوبان های کمربندی شهر پاریس و حرکت با سرعت بسیار پائین مانع از عبور و مرور متعارف خودروها در این جاده ها شدند.

کارگران راننده فرانسوی در اعتراض به افزایش بهای مواد سوختی و کاهش دستمزدهای واقعی خود تلاش کردند تا سیستم حمل و نقل عمومی در جاده های مهم کشور را مختل کنند.

## اعتصاب خلبانان و کارگران حمل و نقل هوایی در ژاپن

این شرکت لغو شد. کارگران اعلام کرده اند که تا دستیابی به همه خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

ژوئن ۲۰۰۸

نشدند. شرکت ژاپن ایرلاینز در راستای تلاش برای دستیابی به حداکثر سود نه فقط دستمزد کارگران را افزایش نداده که «پاداش» ها و برخی دریافت های همیشگی خلبانان و خدمه شبکه های پرواز را نیز به کلی قطع کرده است. در نخستین روز اعتصاب بیش از ۳۴ پرواز

کارگران شبکه حمل و نقل هوایی ژاپن در شرکت «ژاپن ایرلاینز» در اعتراض به سطح پائین دستمزدهای خود دست از کار کشیدند. با شروع اعتصاب این کارگران شمار بسیاری از پروازهای هوایی کشور متوقف شد و حداقل ۷۰۰۰ مسافر قادر به انجام برنامه پرواز خود

## تشدید مبارزات کارگران هفت تپه

بسیار وسیع دست به لشکرکشی و تدارک نیروی بیشتر برای مقابله با خیزش کارگران هفت تپه شده است. شمار کثیری هلیکوپتر به طور مکرر دست به کار انتقال نیروهای انتظامی و نظامی از شهرهای مختلف خوزستان و جاهای دیگر به شهر شوش هستند. دولت سرمایه نیروهای زیادی را در مدارس مختلف شوش مستقر ساخته است و به طور مستمر بر شمار این نیروها می افزاید.

مبارزات کارگران هفت تپه علیه سرمایه و دولت سرمایه داران وارد مرحله بسیار حساسی شده است. آنان بیشتر از همیشه به همبستگی و حمایت همه کارگران ایران احتیاج دارند. ما از توده های طبقه کارگر ایران می خواهیم که کارگران هفت تپه را تنها نگذارند.

۳۰ خرداد ۸۷

ضرب و شتم آن ها کردند. تهاجم وحشیانه نیروی سرکوب سرمایه با مقاومت خشمگینانه و استوار کارگران مواجه شد. آنان حلقه محاصره برای گروگان گرفتن زیودار را تنگ تر و تنگ تر ساختند. پلیس و نیروی سرکوب با مشاهده این وضعیت کوشیدند تا از طریق وعده و وعید دائر بر این که زیودار هیچگاه به شرکت باز نخواهد گشت او را از شعله های سرکش خشم کارگران رها سازند.

کارگران سخت مصمم هستند تا فشار مبارزات خویش بر سرمایه داران و دولت سرمایه دار را با هدف حصول مطالبات خود بیشتر سازند و دامنه اعتراضات و جنگ و ستیز خود با عمال سرمایه را گسترش دهند. براساس آخرین اخبار رسیده، دولت سرمایه دار با درک احتمال گسترش و شدت پیکار کارگران در سطحی

کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه مبارزات روزهای گذشته خویش صبح امروز نیز در محل کارخانه اجتماع کردند. چند هزار کارگر عاصی با دنیایی خشم و نفرت علیه صاحبان سرمایه، دولت سرمایه داران و عاملان واقعی سیه روزی خود در این اجتماع شرکت داشتند. کارگران با اطلاع از این که زیودار مدیر حراست شرکت پس از مدت ها فرار از دست آن ها بالاخره در محل شرکت حضور یافته است با خشم و نفرت به سوی دفتر کار او هجوم بردند. زیودار با مشاهده هجوم کارگران خشمگین و عاصی سخت دچار وحشت شد. او درهای محل کار را از درون بر روی خود قفل کرد و برای نجات خویش از نیروی انتظامی و دستگاه های سرکوب سرمایه کمک خواست. نیروهای امنیتی از همه سو برای نجات زیودار به صفوف کارگران یورش بردند و شروع به

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) بازدید کنید:

WWW.HAMAANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

hamaangi@gmail.com

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. تاکید بر پایه ای بودن مطالبات در این منشور از آن رو ضروری است که اولاً کارگران ایران در اوضاع کنونی حتی از پایه ای ترین حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان محرومند و، ثانیاً و مهم تر از آن، لازمه ارتقای مبارزات پراکنده کارگران به سطح یک مبارزه سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل سرمایه در شرایط کنونی است- نه طرح مطالبات این یا آن بخش از کارگران بلکه طرح مطالبات کل طبقه کارگر در عمومی ترین و پایه ای ترین بیان آن است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح هرگونه مطالبه اعم از پایه ای و غیر پایه ای به معنای آن است که کارگران از سرمایه داران طلبکارند. طلب کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران کرده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از :

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه هر کارگر در شرایط کنونی باید ۶۰۰ هزار تومان باشد.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از حقوق ثابتی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه برخوردار باشند.
- ۳- کارخانگی باید از میان بروداما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۵- هر نوع قرارداد استخدام موقت الغاء باید گردد.
- ۶- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۷- مسکن مناسب با آب، برق، امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر کارگری است. تحقق این امر در گرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن کارگران استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای کارگران اختصاص دهد.
- ۸- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۹- آموزش و پرورش در تمامی سطوح باید رایگان شود.
- ۱۰- ایاب و ذهاب در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۱- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۲- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۳- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل الغاء گردد.
- ۱۴- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع گردد.
  - تشکیل خانواده یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- ۱۵- ایجاد هرگونه تشکل کارگری از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۷/۲/۱

# خبرنامه کمیته هماهنگی راه دست کارگران هر چه

## بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد شکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را  
به آدرس زیر بفرستید:

**hamaahangi@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و  
آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد  
کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید  
در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین  
شوید.